

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

سید موسی عثمان هستی

۲۴.۰۲.۱۰

پیام شیر به روباه ها

من آن آتش ام ویا
سرمای یخبندان و خاموش سرد
چودر فصل زمستان
ویا گل رنگ باخته در پائیز
مثل زعفران زرد
که پیچیده چنان زخمی بدور خود از
غم و درد
بجای سرمه در چشمان زناچار
کشیدم مگر از
نامیدی خاک و گرد
ولی حادثه ندانست که
مرا مادر بست چو سهراب بر
بازو یاد گاری که
پنجه نرم کنم با رستم
چومرد
واز زخم شمشیر خم ابرو نیلورم
ز شدت ضرب و درد
زانکه در قاموس من از
روز ازل بنوشتند
نام مرا مرد

پس با این صفت من
آتشم نه سرمای یخبندان و
سرد
نه گلی در پائیز چون زرد
آنچه که گفتم
از زخم شمیر نیاورم خم بر ابرو از
شدت درد
این واقعی است که سر گذشت زندگی من
شاهد این ادعا است در
غربت
من بخاطریکه
تکبر و غرور اصل جوهر ذاتی من است
نیستی خود را هستی نام گذاشتم
اینکه تو می پذیری یا نمی پذیری من
از اسپ تند رو بی زین و بی لجام غرور
هر گز هرگز پائین نمی شوم چونکه
مادرم مرا بی غرور بدنیا نیاورده
تا زنده ام در وادی نیستی اسپ هستی
می رانم می رانم می رانم
تهدید مرا زیون نمی سازد
بهتر است که مرا به عالم بگذارید
از این سو و آن سو مرا تهدید نکنید
که
تهدید آتش عزم مرا پیکه می زند
قلم مرا برنده و برنده ترمی سازد
این پیغامی است بر روباه هائیکه
شیر را از دم خود می ترسانند